



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۱۰، ش ۵ (پیاپی ۵۳)، آذر و دی ۱۳۹۸، صص ۲۰۹-۲۳۲

## جنس دستوری در هورامی

بهروز محمودی بختیاری<sup>۱</sup>، وحید رنجبر چقاکیودی<sup>۲</sup>، مینو نساجیان<sup>۳</sup>

۱. استاد زبان‌شناسی گروه هنرهای نمایشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی رایانشی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۱

دریافت: ۹۶/۸/۱

### چکیده

گورانی یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است که به‌طور پراکنده در استان‌های کرمانشاه و کردستان ایران و بخش‌هایی از اقلیم کردستان عراق تکلم می‌شود و با توجه به گسترش نفوذ زبان‌های قدرتمند مجاور آن مانند فارسی، عربی و کردی، در معرض خطر است. یکی از ویژگی‌های دستوری زبان گورانی، جنس دستوری است که در مورد آن تنها به اشارات کوتاهی در برخی از منابع مانند (MacKenzie, 1966) و سجادی (۱۳۹۴) بر می‌خوریم. با توجه به نقش مؤثر جنس دستوری در صرف و نحو گورانی، این مقاله می‌کوشد تا با استفاده از داده‌های میدانی از دو گویش لهون (شمالی و جنوبی) و هورامان تخت، به نقش، کاربرد و صورت گوناگون این ویژگی دستوری در این زبان بپردازد. داده‌های این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری (Corbett, 1991) بررسی شده و روش تشخیص جنس دستوری واژه‌های مشتق، مرکب و وام‌واژه‌ها تعیین شده است. نتایج به‌دست آمده، تفاوت‌های معناداری را در کاربرد جنس دستوری هنگام وام‌گیری واژه از زبان‌های دیگر و تک‌واژه‌های حالت در دو جنس مذکر و مؤنث و شناسه‌های فعلی و تأثیر جنس دستوری اسم بر وابسته‌های اسمی در دو گویش مذکور هورامی نشان می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** جنس دستوری، زبان در معرض خطر، هورامی تخت، هورامی لهون شمالی و جنوبی.

### ۱. مقدمه

زبان گورانی یکی از زبان‌های شمال غربی - خانواده زبان‌های ایرانی - است. (کریمی دوستان و نقشبندی، ۱۳۹۰: ۷۴؛ نغزگوی کهن و نقشبندی، ۱۳۹۵: ۲۲۴؛ Blau, 1989: 336؛ Allison, 2007:

138: دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۷۹۴؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۸۱) البته، کسانی مانند بامشادی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۰) و رخزادی (۱۳۹۰: ۳۵) نیز معتقدند گورانی و گویش‌های آن شاخه‌ای از زبان کردی هستند. گویش‌های هورامی لهون، هورامی تخت، کندوله‌ای، گورانی، باجلانی و کاکه‌ای از گویش‌های این زبان هستند. این زبان در استان‌های کرمانشاه و کردستان ایران و بخشی از اقلیم کردستان عراق تکلم می‌شود. هورامی لهون خود به دو لهجه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که لهجه جنوبی در روستاهای داریان، خانه‌گا، گرال، دشه و شهر پاوه در استان کرمانشاه و لهجه شمالی در بخش نوسود شهرستان پاوه به‌ویژه شهرهای نوسود و نودشه و در خاک کشور عراق نیز روستاهایی مانند ته‌ویله، پالانیا، سوسه‌کان، بیاره و ... رواج دارد و نیز گویش هورامی تخت نیز در بخش اورامان شهرستان سروآباد و روستاهایی از شهرستان مریوان استان کردستان تکلم می‌شود.

زبان گورانی به دلیل تعداد کم گویشوران آن، در زمره زبان‌های در معرض خطر گرفته است (Moseley, 2007: 328). اگر زبانی از بین برود، فرهنگ و دانش سخن‌گویان آن زبان خاص از جهان، بیماری‌ها، اعتقادات مذهبی و فلسفی و ... نیز از بین می‌رود. گورانی در بین زبان‌های ایرانی برخی ویژگی‌های دستوری را از دیرباز تاکنون حفظ کرده است. یکی از این ویژگی‌ها طبقه‌بندی اسم‌ها بر اساس جنس دستوری است. این ویژگی در بسیاری از زبان‌ها به‌ویژه زبان‌های هندواروپایی برای طبقه‌بندی اسم‌ها به‌کار می‌رود. مهم‌ترین کاربرد جنس دستوری، رفع ابهام است. اسم‌ها از نظر طبقه‌بندی جنس می‌توانند با مقوله‌های دیگر زبان مانند صفات، حرف تعریف، ضمایر، افعال و ... مطابقت داشته باشند که در تشخیص هسته سازه‌ها در جمله‌ها می‌توان از تطابق بهره برد. همچنین، از این ویژگی می‌توان در رفع ابهام واژه‌های هم‌آوا با جنس‌های دستوری متفاوت استفاده کرد، چنان‌که وابسته‌های اسمی واژگان تعیین‌کننده معنای اسم‌های هم‌آواست. نکته دیگری که سبب می‌شود مطالعه جنس دستوری مورد توجه پژوهشگران و زبان‌شناسان قرار گیرد، این است که این ویژگی نشان می‌دهد، چه اطلاعاتی از زبان در ذهن انسان ذخیره می‌شوند.

با توجه به اهمیت موضوع جنس دستوری و در معرض خطر بودن زبان گورانی، در این مقاله سعی شده است تا به ویژگی جنس دستوری این زبان در سه گویش هورامی لهون شمالی و جنوبی و هورامی تخت پرداخته شود. در بخش دوم این پژوهش، تعریفی از جنس دستوری ارائه

و به نظریات مختلفی درباره این موضوع اشاره می‌شود. بخش سوم این پژوهش درباره پژوهش‌های مرتبط با زبان هورامی است. در بخش چهارم، به نحوه گردآوری داده‌ها پرداخته و در بخش پنجم با توجه به داده‌های گردآوری شده از دو گویش هورامان لهون (لهجه‌های شمالی و جنوبی) و هورامان تخت، به جنس دستوری کلمات بر پایه چارچوب نظری کوربت (1991) در این سه گویش پرداخته و نحوه تشخیص و تخصیص نشانه دستوری در این زبان توضیح داده می‌شود. بخش ششم این پژوهش، به موضوع مطابقت جنس و محدودیت‌های آن بر کلمات زبان هورامی می‌پردازد. در نهایت، در بخش هفتم این مقاله به نتایج حاصل از این پژوهش اشاره می‌شود.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. تعریف جنس دستوری

واژه «جنس» به لحاظ ریشه‌شناختی از واژه لاتین *genus* مشتق شده است (Corbett, 1991: 1). اصطلاح «جنس»<sup>۲</sup> در ادبیات به نشانه جنسی (تمایز زیست‌شناختی جنس) و به گروه‌های اجتماعی زن و مرد گفته می‌شود (Alvanoudi, 2014: 2). از دیدگاه رایتر<sup>۳</sup> (1993: 799) جنس را نمی‌توان همانند ویژگی شمار بر اساس ویژگی معنایی یا اسم‌ها پیش‌بینی یا انتخاب کرد و تا حد زیادی اختیاری هستند. به عقیده گرین‌برگ<sup>۴</sup> (1963: 95) اگر زبانی جنس دستوری داشته باشد، مقوله شمار نیز دارد. الکسیادو<sup>۵</sup> و همکاران (2007: 236-237) نیز تفاوت اساسی بین ویژگی‌های شمار و جنس قائل شده‌اند و معتقدند که ویژگی شمار (مفرد، جمع و...) را می‌توان انتخاب کرد؛ اما جنس دستوری بخشی از معنای واژگانی هر اسمی است و نمی‌توان آن را انتخاب کرد. جنس دستوری بخش تفکیک‌ناپذیر ستاک اسم است و به وند تصریفی ربطی ندارد.

اصطلاح جنس به معنی «نوع» یا «طبقه» است؛ اما در کاربرد زبان‌شناسی اروپایی این اصطلاح به مذکر، مؤنث و خنثی تقسیم‌بندی می‌شود. این تقسیم‌بندی در ویژگی‌های دستوری مانند مطابقت<sup>۶</sup> منعکس می‌شود. اگر جنس دستوری بر مبنای معنا به واژه‌های مذکر و مؤنث تخصیص داده شود، به این جنس، جنس طبیعی<sup>۷</sup> گفته می‌شود. بسیاری از واژه‌ها در برخی زبان‌ها نظیر ایتالیایی به لحاظ معنایی ماهیت مذکر و مؤنث بودن را ندارند؛ اما جزء این طبقه‌بندی به‌شمار می‌آیند که به این نوع جنس، جنس دستوری<sup>۸</sup> گویند (Brown & Miller, 2013: 187). آخنوالد<sup>۹</sup>

(2000: 18-19) در کتاب خود بین چنین پیشنهادی بین دو اصطلاح «طبقات اسم» و «جنس» تمایز ایجاد کرده است. طبقات اسمی می‌تواند شامل جنس دستوری کلمات، جاندار یا بی‌جان بودن، اندازه جسم، شکل ظاهری جسم و ... باشد؛ اما «جنس» تنها به مذکر و مؤنث و در برخی زبان‌ها خنثی بودن کلمات اشاره دارد. واژه‌ها الزاماً نشانه جنس (طبقه) را ندارند؛ اما (بالاجبار) تطابق بین سایر طبقات واژگان، هم داخل و هم خارج از گروه اسمی دیده می‌شود. - (Hellinger, 2001:5)

(7: یک زبان می‌تواند شامل دو یا چند طبقه یا جنس باشد. این طبقه‌بندی بیشتر با تمایزات جنسی در دنیای خارج مطابقت می‌کند؛ اما همیشه این‌طور نیست. بسیاری از زبان‌های هندواروپایی جنس دارند (برخی سه و برخی دو) و تعداد کمی از آن‌ها جنس دستوری خود را از دست داده‌اند (Corbett, 1991: 2). بیکر<sup>۱۳</sup> (2004: 109) نیز در کتاب خود جنس را ویژگی واژ - نحوی ذاتی اسم‌ها تعریف می‌کند و در ادامه به این مورد می‌پردازد که صفات و افعال دارای این ویژگی نیستند و تنها در شرایط مطابقت جنس با اسم‌ها این ویژگی در آن‌ها نمایان می‌شود.

## ۲-۲. نظریه‌های جنس دستوری

نظریه‌های جاکوب گریم و بروگمن<sup>۱۴</sup>، دو نظریه درباره جنس دستوری هستند که تضاد کاملی با هم دارند. این دو نظریه به این موضوع می‌پردازند که آیا جنس واژه‌ها بر پایه جنس<sup>۱۵</sup> زیستی است یا خیر. بسیاری از اشیایی که فاقد جنس زیستی هستند، به لحاظ جنس دستوری مذکر یا مؤنث محسوب می‌شوند؛ اما گریم معتقد است که هندواروپایی‌ها برای واژه‌ها، به شکل واقعی یا غیرواقعی، جنس زیستی قائل شدند که همین امر به پدید آمدن جنس دستوری منجر شد. از طرفی دیگر، نظر بروگمن و همچنین پروکوچ<sup>۱۶</sup> این است که جنس دستوری جدا از جنس زیستی است. بر مبنای این نظریه، جنس دستوری ربطی به جنس زیستی ندارد و هندواروپایی‌ها استفاده از این ویژگی را بسط داده‌اند. هرت<sup>۱۷</sup> بر این باور است که هند و اروپاییان از جنس دستوری استفاده می‌کردند؛ اما از آن در اسامی استفاده نمی‌کردند و تنها کاربرد در تصریف ضمائر و تا حدی تصریف صفتی بود (Mueller, 1943: 90 - 98).

به عقیده دستورنویسان عهد عتیق کلاسیک سخن‌گو حق دارد به شکل اختیاری جنسی را برای شیئی که فاقد جنس زیستی است، انتخاب کند. جاکوب گریم و آدلونگ اسامی را بر اساس یک سری از ویژگی‌ها به دو دسته مؤنث و مذکر تقسیم‌بندی کردند (Brugmann, 1897: 7 - 8):

کوربت (62: 1991) نیز زبان‌ها را بر اساس بارز بودن و پنهان بودن نشانه جنس به دو دسته تقسیم می‌کند: الف) زبان‌هایی با جنس دستوری بارز<sup>۲۰</sup> که در آن‌ها جنس را می‌توان در صورت<sup>۲۱</sup> واژه‌ها مشاهده کرد. ب) زبان‌هایی با جنس دستوری پنهان<sup>۲۲</sup> که جنس را نمی‌توان در صورت واژه‌ها تشخیص داد. البته باید خاطر نشان کرد که زبان‌ها می‌توانند از ترکیب مختلف این فاکتورها استفاده کنند و استثناهایی را نیز شامل شوند. به‌علاوه از دیدگاه او (8: 1991)، به منظور تخصیص جنس دستوری به واژه‌ها، باید به اطلاعات پایه<sup>۲۳</sup> واژه‌ها دسترسی داشت که این اطلاعات شامل معنای واژه و صورت‌واژه هستند. همچنین، وی در کتاب خود به دو نظام معنایی و صوری به‌منظور تخصیص جنس به کلمات قائل می‌شود و در ادامه به نحوه مطابقت جنس دستوری کلمات اشاره کرده است و به محدودیت‌هایی نظیر محدودیت شخص، شمار، حالت، واجی و ... می‌پردازد که بر مطابقت جنس در کلمات اعمال می‌شوند. در ادامه این پژوهش به این دو نظام و شرایط مطابقت جنس و محدودیت‌ها در زبان گورانی پرداخته خواهد شد.

### ۳. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره هورامی و به‌ویژه جنس دستوری در هورامی آثار زیادی تألیف نشده است. از معروف‌ترین پیشروان این راه می‌توان به کتاب *گوش هورامان* نوشته مکنزی (1966) اشاره کرد که وی از طریق گویشوری اهل نوسود با گویش هورامی لهون شمالی آشنا می‌شود و در کتاب خود به معرفی این گویش و ساختارهای دستوری آن می‌پردازد و جنس دستوری گویش لهون شمالی را به‌صورت گذرا معرفی می‌کند. از آنجا که این اثر در مورد همه ویژگی‌های دستوری گویش لهون شمالی است، به جنس دستوری آن‌طور که باید و شاید نپرداخته است و از سویی فقط یکی از سه گویش لهون شمالی، جنوبی و تخت را بررسی کرده است؛ از جمله آثاری که اختصاصاً به جنس دستوری در هورامی پرداخته است، می‌توان به کتاب *جنس دستوری در زبان هورامی* نوشته سید مهدی سجادی (۱۳۹۴) اشاره کرد که به‌طور ویژه به بررسی جنس دستوری در گویش هورامی تخت پرداخته است، در این اثر نیز هیچ مقایسه‌ای بین سه گویش هورامی انجام نشده است. در این پژوهش با گردآوری داده‌های زبانی از گویش هورامی لهون جنوبی، نتایج بررسی ویژگی جنس دستوری در سه گویش هورامی تخت و هورامی لهون شمالی و جنوبی مقایسه می‌شود.

#### ۴. روش پژوهش

در این پژوهش از مصاحبه با گویشوران گویش‌های هورامی تخت و هورامی لهن، داده‌های مورد نیاز استخراج شده است. برای استخراج داده‌های گویش هورامی لهن لهجه شمالی از سه گویشور اهل شهرهای نوسود و نودشه و برای لهجه جنوبی از دو گویشور اهل شهر پاوه و نیز برای گویش هورامی تخت از سه گویشور اهل شهر اورامان تخت از توابع شهرستان سروآباد استان کردستان مصاحبه شده است و داده‌های استخراج شده در قالب نظام معنایی و صورتی کوربت (1991) با داده‌های جمع‌آوری شده از سوی مکنزی (1966) و سجادی (۱۳۹۴) مقایسه شد و نحوه بروز جنس در سه گویش مذکور بررسی شد.

#### ۵. بررسی جنس دستوری واژه‌های هورامی

##### ۵-۱. نظام معنایی

در بخش نظریه‌های جنس دستوری اشاره شد که کوربت به منظور بررسی جنس دستوری کلمات، به دو نظام معنایی و صورتی قائل می‌شود. از دیدگاه او (1991: 13) در نظام معنایی کافی است معنای واژه‌ای را برای تشخیص جنس آن بدانیم. البته ممکن است استثناهایی نیز در این نظام رخ دهد. در زبان‌هایی که جنس دستوری دارند، اسم‌هایی که به «زن» یا «دختر» اشاره می‌کنند، به لحاظ دستوری مؤنث به‌شمار می‌روند و واژه‌های که به «مرد» یا «پسر» اشاره دارند، مذکر هستند (Alvanoudi, 2014: 18 - 20). باقی اسم‌ها که به آن‌ها پس‌ماند معنایی<sup>۲۴</sup> نیز گویند، جنس دیگری را می‌گیرند. طبق نظام معنایی، جنس معمولاً به ویژگی‌های فرا زبانی<sup>۲۵</sup> زن و مرد (طبیعی<sup>۲۶</sup> یا زیستی<sup>۲۷</sup>) مربوط می‌شود. در هورامی، اسم‌هایی نظیر «مادر»، «خواهر» و «پسر» وجود دارند که به لحاظ واژگانی دارای ویژگی‌های معنایی مذکر و مؤنث هستند. چنین اسم‌هایی را می‌توان به‌عنوان جنس - خاص<sup>۲۸</sup> (مختص جنس مذکر<sup>۲۹</sup> و مختص جنس مؤنث<sup>۳۰</sup>) در نظر گرفت (Hellinger, Bußmann, 2001: 6 - 11).

##### ۵-۲. نظام صورتی

به‌دلیل آنکه زبان‌هایی با معیار معنایی، شامل استثناهای زیادی هستند و از روی معنای تمامی واژه‌ها نمی‌توان جنس آن‌ها را معین کرد، این اسم‌ها با استفاده از قاعده تخصیص صورتی<sup>۳۱</sup>

جنس دستوری می‌گیرند. قاعده تخصیص صوری به دو نوع تقسیم می‌شوند: الف) ساختار صوتی<sup>۳۳</sup> که دارای اطلاعات مربوط به واج‌شناسی واژه است. ب) ساختار واژه<sup>۳۴</sup> که دارای اطلاعات ساخت اشتقاقی<sup>۳۵</sup> و ساخت تصریفی<sup>۳۶</sup> (اطلاعات ساخت‌واژه) می‌شود زبان‌ها می‌توانند از ترکیب مختلف این فاکتورها استفاده کنند و استثناهایی را هم شامل شوند (Corbett, 1991: 33 - 52).

### ۵-۲-۱. ساختار صوتی

در هورامی اسم، ضمیر، صفت، فعل و حرف تعریف دارای نمود جنس دستوری هستند و بر اساس نظام واجی، جنس دستوری اسم تعیین می‌شود. در این زبان جنس دستوری اسم به واج پایانی و جایگاه تکیه وابسته است و اسم‌هایی که به همخوان (غیر از [j]) و واکه‌های تکیه‌دار [-a]، [-i]، [-u] و [-o] پایان می‌یابند، مذکر هستند. به‌علاوه، اسم‌هایی که به واکه‌های بدون تکیه [-i] و [-a] و واکه تکیه‌دار [-e] پایان می‌یابند، مؤنث هستند. بیشتر اسم‌هایی که به واکه تکیه‌دار [-a] پایان می‌یابند مذکر هستند. همچنین بیشتر اسم‌هایی که به همخوان [-j] پایان می‌یابند مؤنث هستند (MacKenzie, 1966: 13؛ سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

اسم‌های زیر مذکر هستند.

ha'n-a  
spring-MASC  
mez'g-i  
mosque-MASC  
ba'l-u  
oak-MASC  
ma'm-o  
uncle-MASC  
'gof  
ear(MASC)

اسم‌های زیر نیز مؤنث هستند.

k(ɪ)na'tf-e  
girl-FEM  
'zan-i  
woman-FEM  
'lamm-a  
belly-FEM  
'nwaj  
pea(FEM)

برخی از اسمها علاوه بر ویژگی‌های آوایی از نظر معنایی نیز مذکر یا مؤنث هستند؛ مثلاً اسم‌هایی مانند 'pja (مرد)، 'kur (پسر)، za'ma (داماد)، ma'mo (عمو) و la'lo (دایی) از نظر معنایی نیز مذکر هستند و اسم‌هایی مانند k(ɪ)na'tʃe (دختر)، 'zani (زن)، wa'te (خواهر) و se'te (خواهرشوهر) از نظر معنایی مؤنث هستند.

### ۵-۲-۲. ساختار واژه

ساخت واژه حوزه‌ای است که جنس به آن مربوط می‌شود. در زبان‌هایی که دارای جنس دستوری یا فاقد آن هستند، فرایندهای اشتقاقی و ترکیب، نقش مهمی را در ساخت اسم‌های شخصی با جنس ایفا می‌کنند (Hellinger, 2001: 11) - انواع روش‌های ساخت واژه عبارت‌اند از: تغییر مقوله<sup>۳۶</sup>، فرایند اشتقاق و فرایند ترکیب. به‌علاوه در این بخش به نحوه تخصیص جنس به وام‌واژه‌ها<sup>۳۷</sup> نیز اشاره شده که یکی دیگر از راه‌های افزایش کلمات زبان محسوب می‌شود.

### ۵-۲-۲-۱. فرایند اشتقاق

اشتقاق فرایندی است که سبب تغییر طبقه واژه پایه می‌شود. اسم‌ها می‌توانند از افعال مشتق شوند، صفات می‌توانند از اسم‌ها ساخته شوند و ... به بیانی دیگر، اشتقاق برای ساخت واژه جدید با مفهوم متفاوت، استفاده می‌شود. (Haspelmath, 2010: 87) - اسم‌های مشتق با توجه به پسوندی که در ساخت آن‌ها به‌کار می‌رود، مذکر یا مؤنث هستند. در ادامه نمونه‌هایی از سه گویش گورانی مشاهده می‌شود<sup>۳۹</sup>.

bɪra+ -jati → bɪra -ja'tiT. = 'bra  
 brother.MASC SUFF brotherhood.MASC  
 pa'wa+ -jan -a → pa'wa -ja'n -a  
 Paveh.MASC SUFF -MASC Pavehlike -SUFF -MASC  
 qa.ɪm+ -jan -e → qa.ɪm -ja'n -e  
 old SUFF -FEM oldlike -SUFF -FEM  
 bez+ -t -a → bez -'t -a N.L = bɪz T. = bəz  
 goat SUFF -MASC goat(kid) -SUFF -MASC  
 bez+ -t -e → bez -'t -e  
 goat SUFF -FEM goat(kid) -SUFF -FEM

در هورامی صفت‌های مشتق برای هر دو جنس مذکر و مؤنث ساخته می‌شوند؛ یعنی بدون توجه به آنکه اسم به‌کار رفته در ساختمان آن‌ها از چه جنسی است، می‌توان هم صفت مؤنث و



هم صفت مذکر ساخت.

صفت‌های مشتق از اسم:

ʔasin → ʔasin-ʔgar → ʔasin-ʔgar-a  
 iron-MASC.SGiron-SUFF.MASC (blacksmith)iron-SUFF-FEM  
 zani → zan-aʔn-a → zan-aʔn-e  
 women-FEMwomen-SUFF.MASC (feminine)women-SUFF-FEM

صفت‌های مشتق از فعل:

zan → na-ʔzan → na-ʔzan-a  
 know-PR.PRTpref-know-PR.PRT-MASCPREF-know-PR.PRT-FEM  
 wan → wan-ʔj-a → wan-ʔj-eT.= wən-N.L=wən-  
 read-PR.PRTread-PR.PRT-HI-MASCread-PR.PRT-SUFF-FEM

#### ۵-۲-۲. فرایند ساخت واژه‌های مرکب

واژه مرکب دست‌کم از دو پایه تشکیل شده است که هر کدام یک واژه یا ریشه هستند (Katamba, 1993: 55). از آنجا که واژه پایانی و جایگاه تکیه نشان‌دهنده جنس دستوری در هورامی هستند، جنس دستوری آخرین تک‌واژ تعیین‌کننده جنس دستوری واژه مرکب است.

ʔaw-a+ʔnima → ʔaw-ʔnimaT.=ʔavaT.=ʔnma  
 night-FEMpray-FEMnight-pray-FEM  
 ʔaw-i+naʔwat → ʔaw-naʔwatT.=ʔaviT.=naʔbat  
 water-FEMcandy-MASCwater-candy-MASC  
 maʔmo+ʔzan-i → maʔmo-ʔzan-i  
 uncle-MASCwoman-FEMuncle-woman-FEM(uncle's wife)

#### ۵-۲-۳. وام‌واژه‌ها

ساده‌ترین فرضیه این است که جنس وام‌واژه‌ها با قاعده تخصیص عادی<sup>۴۱</sup> تعیین می‌شود و تخصیص جنس به آن‌ها مشابه سایر واژه‌های زبان است (Corbett, 1991: 74).

عامل دیگری نیز درباره تعیین جنس دستوری وام‌واژه‌ها از سوی پاپ‌لاک<sup>۴۲</sup> و همکاران (1982: 3-21) مطرح شده است. وام‌واژه‌ها می‌توانند جزو دسته جنس بی‌نشان<sup>۴۳</sup> باشند. به عبارتی، با ورود وام‌واژه‌ها به یک زبان، جنسی را می‌گیرند که آن جنس دربردارنده بیش‌ترین تعداد واژه‌های آن زبان است. به بیان ساده، اگر یک جنس دستوری (مثلاً مذکر) بیش‌ترین تعداد واژه‌ها را در بردارد، جنس وام‌واژه‌ها نیز مذکر می‌شوند.

واژه‌های فارسی و عربی‌ای که قرن‌ها پیش به زبان هورامی راه یافته‌اند با توجه به تلفظ آن‌ها

بر اساس قواعد آواشناختی هورامی جنس دستوری مذکر یا مؤنث پذیرفته‌اند؛ اما واژه‌هایی که اخیراً (به‌ویژه از زبان‌های اروپایی) به هورامی راه یافته‌اند، در هورامی تخت و لهون جنوبی عموماً جنس دستوری مذکر و لهون شمالی معمولاً جنس مؤنث را می‌پذیرند. با توجه به پایانه‌های آوایی‌ای که به وام‌واژه‌هایی در هر گویش اختصاص داده شده است، این واژه‌ها نیز مانند دیگر واژه‌های زبان دارای جنس دستوری شده‌اند و صفت‌ها، حرف تعریف و فعل‌های مذکر یا مؤنث با توجه به پایانه‌های آوایی‌شان به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

T.	N.L. S.L.
mahwa'r-a	mahwa'r-emahwa'r-a <b>Persian word</b>
Satellite-MASC	satellite-FEMsatellite-MASC
ho'tel-a	ho'tel-e ho'tel-a
hotel-FEM	hotel-FEMhotel-FEM
'rasturan-a	'rasturan-e'rasturan-a
restaurant-FEM	restaurant-FEM restaurant-FEM
'motər	'motr-a mote'r-a
motor-MASC	motor-FEM motor-MASC
bof'k-a	bof'k-ebof'ka <b>Russian word</b>
barrel-MASC	barrel-FE Mbarrel-MASC
ma'jin	ma'jin-a ma'jin
machine-MASC	machine-FE Mmachine-MASC
talavəz'jon	telawizjo'n-etelawiz'jon <b>French word</b>
television-MASC	television-FEM television-MASC
kampjo'tər	kampijo'ter-akampijo'ter
computer-MASC	computer-FEM computer-MASC
tajja'ra	taja'r-etajja'ra <b>Arabic word</b>
airplane-MASC	airplane-FEM airplane-MASC

برای مثال وام‌واژه mahwa'ra موارد زیر مشخص کننده جنس‌پذیری این واژه در هورامی است.

mahwa'r-a+-ak+-'a → mahwa'r-a'k-a  
 satellite-MASCDEFMASCsatellite-DEF-MASC  
 mahwa'r-a-jgaw'r-a  
 satellite-MASC-IZbig-MASC

## ۶. مطابقت جنس

از دیدگاه کوربت (1991: 105-113) به دو دلیل موضوع مطابقت جنس مهم است: الف) روشی

است که از طریق آن می‌توان جنس را در زبان تشخیص داد. (ب) زمینه را برای تعریف جنس و تعیین تعداد جنس در زبان فراهم می‌کند. در جنس دستوری، مطابقت را می‌توان با عناصر مختلفی نظیر صفات، حرف تعریف معین و نامعین، نشانه مالکیت، افعال، ضمائر، قید و متمم‌سازها مشخص کرد.

در هورامی وابسته‌های اسمی از نظر جنس دستوری با اسم مطابقت دارند. هورامی دارای حرف تعریف معین<sup>۴۴</sup> و حرف تعریف نامعین<sup>۴۵</sup> است. حرف تعریف معین در این زبان -ak است که با توجه به جنس دستوری اسم تکواژ 'a- برای جنس مذکر و 'e- برای جنس مؤنث به آن افزوده می‌شود. تکواژگونه 'k- حرف تعریف معین به اسم‌های مختوم به 'a یا 'a افزوده می‌شود و در صورتی که به اسم‌های مؤنث مختوم به 'i- و 'e- افزوده شود، واژه پایانی اسم حذف می‌شود و سپس حرف تعریف معین افزوده می‌شود. در صورتی که به اسم‌های مذکر مختوم به 'i- یا 'o- یا 'u- افزوده شود یا تنها تکواژگونه 'k- به اسم افزوده می‌شود یا این واژه‌ها به ترتیب به 'z- یا 'w- تبدیل می‌شوند و سپس حرف تعریف افزوده می‌شود.

k(1)na'tf-e+-ak+-'e→k(1)natf-a'k-e  
 girl-FEMDEFEMgirl-DEF-FEM  
 'kor+-ak+-'a→kor-a'k-aT.=korN.L='kür  
 boyMASCDEFMASCboy-DEF-MASC  
 ?a'ı-a+-ak+-'e→?aıa-'k-e  
 mother-FEMDEFEMmother-DEF-FEM  
 ro+ak+-'a→ro-'k-a  
 day-MASCDEFMASCday-DEF-MASC

حرف تعریف نامعین در هورامی ew- است. بیانگر جنس مذکر، تکواژ صفر و بیانگر جنس برای جنس مؤنث، a- است (در هورامی تخت برای جنس مؤنث حرف تعریف نامعین و بیانگر به صورت ev-a تلفظ می‌شود). در اسم‌های مختوم به 'a- یا این واژه حذف می‌شود یا همخوان میانجی 'z- پس از این واژه درج می‌شود. واژه 'i- پایانی اسم‌های مذکر به 'z- تبدیل می‌شود؛ اما واژه‌های 'i- و 'e- پایانی اسم‌های مؤنث و واژه 'a- اسم‌های هر دو جنس حذف می‌شوند. واژه‌های 'o- و 'u- پایانی نیز یا به 'w- تبدیل می‌شوند یا همخوان میانجی 'z- پس از آن‌ها درج می‌شود و سپس حرف تعریف نامعین افزوده می‌شود.

k(1)na'tf-e+-ew+-a→k(1)natf-e'w-a  
 girl-FEMIDEFFEMgirl-IDEF-FEM  
 'kor+-ew+∅→ko'r-ewT.=korN.L=kür

boy<sub>MASC</sub>IDEF<sub>MASC</sub>boy-IDEF<sub>MASC</sub>  
 pi'a+-ew+∅→pi-'ew  
 man-MASCIDEF<sub>MASC</sub>man-IDEF<sub>MASC</sub>  
 ?a'ɪ-a+-ew+-a→?aɪ-e'w-a  
 mother-FEMIDEF<sub>FEM</sub>mother-IDEF-FEM

در هورامی صفت از نظر جنس با اسم (موصوف) مطابقت دارد.

k(i)teb-isi'aw  
 book<sub>MASC</sub>-IZblack<sub>MASC</sub>  
 k(i)na'tf-eza'rif-a  
 girl-FEM.IZbeautiful-FEM  
 jan-a-jgaw'r-a  
 house-MASC-IZbig-MASC  
 k(i)teb-esi'aw-e  
 book-PL.IZblack-PL

برای مؤنث کردن صفت‌های مذکری که با واکه a- یا a- پایان می‌یابند، واکه پایانی حذف می‌شود و بیانگر جنس e- جایگزین آن می‌شود. صفت‌های مذکر مختوم به همخوان نیز واکه a- بیانگر جنس مؤنث به آن افزوده می‌شود.

tʃar'm-a→tʃar'm-+-e→tʃar'm-e  
 white-MASCwhiteFEMwhite-FEM  
 ?a'z-a→?a'z-+-e→?a'z-e  
 brave-MASCbraveFEMbrave-FEM  
 'barz+-a→'barz-a  
 tall<sub>MASC</sub>FEMtall-FEM

در صفت‌های برتر، برای جنس مذکر و مؤنث به ترتیب 'tar- و 'tara- و صفت‌های برترین برای جنس مذکر به ترتیب ta'rin- و ta'rina- به صفت افزوده می‌شود.

tʃar'ma+-'tar→tʃarma-'tar  
 whiteCOMPV<sub>MASC</sub>white-COMPV<sub>MASC</sub>  
 tʃar'ma+- 'tar-a→tʃarma-'tar-a  
 whiteCOMPV-FEMwhite-COMPV-FEM  
 tʃar'ma+-ta'rin→tʃarma-ta'rin  
 whiteSUPER<sub>MASC</sub>white-SUPER<sub>MASC</sub>  
 tʃar'ma+- ta'rin-a→tʃarma-ta'rin-a  
 whiteSUPER-FEMwhite-SUPER-FEM

صفت‌های اشاره (به‌جز این و آن) و پرسشی نیز از نظر جنس با اسم مطابقت می‌یابند.

pa's-a → pa's-eT. = pas'na/pas'ne  
 like that-MASC like that-FEM  
 pja-jpas-a/zan-ipas-e  
 man-MASC-IZ like that-MASC woman-FEM. IZ like that-FEM

### ۶-۱. محدودیت بر مطابقت جنس

کوربت (1991: 124) در کتاب خود به محدودیت‌هایی دربارهٔ مطابقت جنس اشاره می‌کند و به این نکته می‌پردازد که تمامی اعضای متعلق به یک گروه از واژه‌ها، در هر شرایطی با اسم مطابقت ندارند و محدودیت‌هایی روی تطابق بین اسم و وابسته‌های آن وجود دارد. او محدودیت‌ها را به محدودیت نحوی، زمانی، شخص، شمار، طبقهٔ ساخت‌واژی، حالت، واجی و واژگانی تقسیم‌بندی می‌کند.

### ۶-۱-۱. محدودیت زمانی

مقوله‌های دستوری بسیاری وجود دارند که برای مطابقت جنس شرط و محدودیت تعیین می‌کنند. برای مثال، در زبان روسی، افعال به لحاظ جنس با جنس فاعل مطابقت دارند؛ اما این مورد فقط زمانی اتفاق می‌افتد که زمان فعل، گذشته و شرطی باشد. برای سایر زمان‌ها افعال تنها به لحاظ شخص و شمار با فاعل تطابق دارند (Corbett, 1991: 125).

افعال ربطی سوم شخص مفرد «هستن» و «شدن» و افعال لازمی که ستاک گذشتهٔ آن‌ها به همخوان ختم شود، در گذشتهٔ ساده دارای تمایز جنس دستوری مذکر و مؤنث هستند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). در حال ساده، التزامی و استمراری جنس در هیچ‌یک از شخص‌های دستوری دارای تمایز نیست. در صورتی که در دیگر زمان‌ها جنس دستوری در هر سه شخص مفرد متمایز است.

'kar → ka'r-o  
 do-PRdo-PR-COP3s  
 'mar-1 → 'mar-1-Ø'mar-1-a  
 die-PASTdie-PAST-MASC.3s die-PAST-FEM.3s

### ۶-۱-۲. محدودیت شخص

کوربت (1991: 126) از زبان‌هایی نظیر زبان اسلاوی<sup>۴۶</sup> یاد می‌کند که در این زبان فعل کمکی به لحاظ شخص و شمار با فاعل تطابق دارد؛ اما به لحاظ جنس با فاعل مطابقت ندارد و تنها قسمت

سوم فعل (فعل اصلی) به لحاظ جنس با فاعل مطابقت پیدا می‌کند (در ساخت‌هایی که فعل کمکی به همراه قسمت سوم فعل اصلی به‌کار رفته است).

در زبان هورامی این محدودیت دربارهٔ ضمیرهای سوم شخص مفرد صدق می‌کنند و تنها ضمیرهای فاعلی و غیرفاعلی سوم شخص دارای جنس دستوری هستند. خاطر نشان می‌شود ضمیرهای پیوسته جنس دستوری ندارند.

ضمیرهای فاعلی سوم شخص مفرد:

مذکر و نزدیک: ?e:ɪ    مذکر و دور: ?a:ɪ    مؤنث و نزدیک: ?e:ɪa    مؤنث و دور: ?a:ɪa

ضمیرهای غیرفاعلی سوم شخص مفرد:

مذکر و نزدیک: ?e:ɪi    مذکر و دور: ?a:ɪi    مؤنث و نزدیک: ?e'ɪe    مؤنث و دور: ?a'ɪe

ضمیرهای اشاره:

مذکر: ?i'na    مؤنث: ?i'ne    دور: مذکر: ?a'na    مؤنث: ?a'ne

مطلبی که در قسمت قبل دربارهٔ افعال ربطی سوم شخص مفرد ربطی «هستن» و «شدن» و افعال لازم که با ستاک مختوم به همخوان ذکر شد، در این بخش نیز صدق می‌کند.

'han- → 'han-∅'han-a  
be-PRbe-PR-MASC.3sbe-PR-FEM.3s  
- 'a-na  
ENCbe-MASC.3sENCbe-FEM.3s  
'kaw-t- → 'kaw-t-∅'kaw-t-a  
fall-PASTfall-PAST-MASC.3sfall-PAST-FEM.3s

به‌جز زمان‌های حال ساده، التزامی و استمراری، در صرف فعل دیگر زمان‌ها در هر سه شخص مفرد تمایز جنس دستوری مذکر و مؤنث دیده می‌شود.

### ۶-۱-۳. محدودیت شمار

به عقیدهٔ کوریت (1991: 132) شمار مقوله‌ای است که به جنس کاملاً ربط دارد. در برخی زبان‌ها جنس دستوری به اسم‌های مفرد محدود می‌شود و تنها واژه‌هایی مفرد هستند که به لحاظ جنس، صورت متفاوت به‌خود می‌گیرند. در واژه‌های جمع، نمی‌توان جنس واژه‌ها را فهمید؛ چون نشانهٔ جنس در این واژه‌ها به‌کار نمی‌رود.

در هورامی نیز جنس تنها در شمار مفرد نمود دارد. تکیه جمع در حالت فاعلی چه برای

اسم‌های مذکر و چه مؤنث [-e] و [-i] است. در هورامی تخت [-i] تنها برای اسم‌های مؤنث مختوم به [-i] به‌کار می‌رود، در این صورت این تکواژ هم نشانه جمع و هم نشانه مفرد مؤنث است و با توجه به بافت شمار آن تشخیص داده می‌شود. (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۹) در هورامی لهون شمالی اسم مؤنث مختوم به [-i] در شمار جمع بدون تغییر می‌ماند و چیزی به آن افزوده نمی‌شود (MacKenzie, 1966: 14) در هورامی لهون جنوبی [-i] حذف و تکواژ جمع [-e] افزوده می‌شود.

zan-i → zan-iT.  
 woman-FEM.SGwoman-FEM.PL  
 k'ar-i → k'ar-iN.L.  
 knife-FEM.SGknife-FEM.PL  
 win-i → win-eS.L.  
 blood-FEM.SGblood-PL

تکواژ جمع در حالت فاعلی [-e] است که به اسم‌های مختوم به همخوان افزوده می‌شود و در هورامی تخت در اسم‌های مختوم به واکه‌های [-'a]، [-a] و [-'a] این واکه‌های بیانگر جنس حذف می‌شوند و به جای آن‌ها تکواژ جمع می‌نشیند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۹)؛ اما در هورامی شمالی [-a] حذف می‌شود؛ اما [ε] به‌عنوان تکواژ جمع به آن افزوده می‌شود (MacKenzie, 1966: 15) در هورامی لهون جنوبی [-'a] به [a] تبدیل می‌شود و تکواژ جمع به‌صورت [-j] به آن افزوده می‌شود.

ha'n-a → ha'n-eT.  
 spring-MASC.SGspring-PL  
 da'g-a → da'g-eT.  
 village-FEM.SGvillage-PL  
 pi-'a → pi-'εN.L.  
 man-MASC.SGman-PL  
 a'ɹ-a → a'ɹ-εN.L.  
 mother-FEM.SGmother-PL  
 ga't-a → ga't-a-jS.L.  
 leaf-MASC.SGleaf-MASC-PL  
 fa'm-a → fa'm-eS.L.  
 candle-MASC.SGcandle-PL

در هورامی تخت در اسم‌های مختوم به [-'o] و [-'u] این دو واکه به [-v] (این واج فقط در هورامی تخت وجود دارد) یا به [-w] تبدیل می‌شوند و سپس تکواژ جمع افزوده می‌شود (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در هورامی لهون شمالی این دو واکه هیچ تغییری نمی‌کنند

(MacKenzie, 1966:14)، در حالی که در لهون جنوبی [-u] به [w] تبدیل می‌شود و تکواژ [-

e] به آن افزوده شده و [-o] تغییری نمی‌کند و تکواژ جمع به صورت [-j] به آن افزوده می‌شود.

la'l-o → la'l'-v-eT.  
uncle-MASC.SGuncle-MASC-PL  
ba'l-u → ba'l'-w-eT.  
oak-MASC.SGoak-MASC-PL  
'ro → ro'-eN.L  
day-MASC.SGday-PL  
aʔuba'ʔu → aʔuba'ʔu-eN.L  
sourcherry-MASC.SGsourcherry-PL  
la'lo → la'lo'-jS.L  
uncle-MASC.SGuncle-PL  
ʒu'ʒ-u → ʒu'ʒ'-w-eS.L  
hedgehog-MASC.SGhedgehog-MASC-PL

در هورامی تخت در اسم‌های مذکر مختوم به [-i] این واکه به [-j] تبدیل می‌شود و سپس تکواژ جمع افزوده می‌شود (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در هورامی لهون جنوبی نیز چنین است؛ اما در لهون شمالی [-i] حذف می‌شود و تکواژ جمع به جای آن می‌نشیند (MacKenzie, 1966:14).

mez'g-i → mez'g'-j-eT.  
mosque-MASC.SGmosque-MASC-PL  
du.ɹa'r-i → du.ɹa'r-eN.L  
window-MASC.SGwidow-PL  
gɛ'dʒ-i → gɛ'dʒ-j-eS.L  
shirt-MASC.SGshirt-MASC-PL

در اسم‌های مؤنث مختوم به [-e] در شمار جمع هیچ تغییری رخ نمی‌دهد و این واکه هم بیانگر جنس مؤنث و هم بیانگر شمار جمع است که با توجه به بافت تشخیص داده می‌شود. تکیه به هجایی که واکه بیانگر جمع هسته آن است، منتقل می‌شود.

k(ɪ)na'tf-e → k(ɪ)na'tf-e  
girl-FEM.SGgirl-PL

در شمار جمع اسم همراه با حرف تعریف معین در حالت فاعلی -e تکواژ جمع در مؤنث تغییری ایجاد نمی‌کند؛ اما در اسم مذکر به جای واکه پایانی -a می‌نشیند.



k(i)natf-a'k-e → k(i)natf-a'k-e  
 girl-DEF-FEM.SGgirl-DEF-FEM.PL  
 ro-'k-a → ro-'k-e  
 day-DEF-MASC.SGday-DEF-MASC.PL

۶-۱-۴. محدودیت حالت

کلمات ممکن است در زبانی با گرفتن حالت‌های مختلف نظیر فاعلی یا غیرفاعلی، جنس دستوری متفاوتی بگیرند. در هورامی اسم دو حالت فاعلی (صریح)<sup>۴۷</sup> و غیرفاعلی (غیرصریح)<sup>۴۸</sup> می‌پذیرد (MacKenzie, 1966: 13). بیانگر جنس اسم در حالت غیرفاعلی برای جنس مؤنث در شمار مفرد -e است. در این صورت بیانگر جنس در حالت فاعلی حذف می‌شود و بیانگر جنس در حالت غیرفاعلی جایگزین آن می‌شود. برای جنس مذکر در شمار مفرد پس از همخوان، -i و پس از واکه تکواژگونه آن، یعنی -j- استفاده می‌شود. در شمار جمع نیز در هر دو جنس -a است.

'har+-i → 'har-i  
 donkey-DIR<sub>MASC</sub>OBL.MASCdonkey-OBL.MASC  
 'karɹ-i+-e → 'karɹ-e  
 knife-DIR.FEMOBL.FEMknife-OBL.FEM  
 pi'a+-j → pi'a-j  
 man-DIR.MASCOBL.MASCman-OBL.MASC  
 ?a'ɹ-a+-e → ?a'ɹ-e  
 mother-DIR.FEMOBL.FEMmother-OBL.FEM  
 'ro+-a(n) → ro-'a(n)  
 day.DIR.MASCOBL.PLday-OBL.PL.MASC  
 'karg-a+-a(n) → kar'g-a(n)  
 hen-DIR.FEMOBL.PLhen-OBL.PL

همین تکواژها برای اسم همراه حرف تعریف معین نیز کاربرد دارد.

'kaf+-ak+ -a+-j → kaf-a'k-a-j  
 mountain<sub>MASC</sub>DEF MASCOBL.MASCmountain-DEF-MASC-OBL.MASC  
 ba'x-e+-ak+-e+-e → bax-a'k-e  
 garden-FEMDEFEMOBL.FEMgarden-DEF-OBL.FEM  
 ja'n-a+-ak+-a(n) → jana-'k-a(n)  
 house-MASCDEFobl.PLhouse-DEF-OBL.PL  
 'zan-i+-ak+-a(n) → zan-a'k-a(n)  
 woman-FEMDEFobl.PLwoman-DEF-OBL.PL

برای حرف تعریف نامعین نیز همین تکواژها کاربرد دارد.

'kaf+-ew+ Ø+-i → kaf-e'w-i

mountain<sub>MASC</sub>IDEF MASC<sub>OBL</sub>.MASCmountain-IDEF-OBL.MASC  
 ba'x-e+-ew+-a+-e→ba'x-e'w-e  
 garden-FEMIDEFFEMOBL.FEMgarden-IDEF-OBL.FEM  
 ja'n-a+-ew+-a(n)→jan-e'w-a(n)  
 house-MASCIDEFOBL.PLhouse-IDEF.OBL.PL  
 'zan-i+-ew+-a(n)→zan-e'w-a(n)  
 woman-FEMIDEFOBL.PLwoman-IDEF-OBL.PL

### ۶-۱-۵. محدودیت واژگانی

ممکن است به دلیل محدودیت واژگانی بین اسم و تمام وابسته‌های آن مطابقت جنس دیده نشود. در هورامی عدد یک تمایز جنس را مطابق جنس اسم نشان دهد؛ اما در اعداد بزرگ‌تر از یک صفت شمارشی با جنس دستوری اسم تطابق نمی‌یابد و برای هر دو جنس از یک صفت شمارشی بهره گرفته می‌شود.

jo-tar-fa  
 one<sub>MASC</sub>-other<sub>MASC</sub>-PC3p  
 'jewa-tar-a-faT.=jəvaN.L='juwa  
 one<sub>FEM</sub>-other-FEM-PC3p

### ۶-۱-۶. محدودیت طبقه ساخت واژی

عناصری که با اسم‌ها مطابقت می‌کنند، انواع مختلفی دارند. در هورامی دو جنس وجود دارد که در صفت‌های اشاره نشان داده می‌شوند؛ اما صفت‌های اشاره «این» و «آن» تمایز جنس دستوری را نشان نمی‌دهند.

ʔaha'naʔaw-i-ffir-e-na  
 thatspring-MASCwater-FEM-PROvery-FEM-EX3s  
 thatspringwater-itsa lot of-is  
 است - زیاد آبش چشمه آن  
 ʔiha'naʔaw-i-ffir-e-na  
 thisspring-MASCwater-FEM-PROvery-FEM-EX3s  
 thisspringwater-itsa lot of-is  
 است - زیاد آبش چشمه این

### ۷. نتیجه

در این پژوهش به ویژگی جنس دستوری زبان گورانی به عنوان زبانی در معرض خطر پرداخته شد. این زبان در بین زبان‌های ایرانی، این ویژگی دستوری را از دیرباز تاکنون حفظ کرده است.

سه گویش هورامی تخت و هورامی لهون شمالی و جنوبی از گویش‌های زبان گورانی‌اند که طبق دسته‌بندی کوربت (1991) دارای جنس دستوری بارز و پنهان است و در این زبان به لحاظ معنا، مشخصه‌های واجی و ساختار واژه می‌توان کلمات را به دو دسته جنس مذکر و مؤنث تقسیم‌بندی کرد. در پی بررسی این سه گویش، مشاهده شد که شیوه استفاده از ویژگی جنس تا حد زیادی مشابه هستند؛ اما تفاوت‌هایی نیز در بین این سه گویش درباره این ویژگی دستوری وجود دارد. به لحاظ نظام معنایی در این سه گویش جنس دستوری به شکل یکسانی کاربرد دارد. بر اساس نظام صوری نیز که شامل دو بخش ساختار صوتی و ساختار واژه است، با بررسی داده‌ها به نتایج یکسانی در نحوه استفاده از این ویژگی دستوری در هر سه گویش رسیدیم؛ اما در نحوه استفاده از جنس دستوری در وام‌واژه‌ها دیدیم که واژه‌های قرصی در گویش هورامی لهون شمالی به شکل مؤنث و در گویش هورامی لهون جنوبی و هورامی تخت به شکل مذکر وارد این زبان می‌شوند. به علاوه با بررسی مطابقت جنس دستوری بین کلمات و محدودیت‌های اعمال‌شده روی این مطابقت‌ها در یافتیم اعمال محدودیت مطابقت جنس روی مشخصه شمار این سه گویش، به نتایج متفاوتی منجر می‌شود.

## ۸. پی‌نوشت‌ها

1. Corbett
2. Gender
3. Alvanoudi
4. Ritter
5. Greenberg
6. Alexiadou
7. Agreement
8. Natural Gender
9. Grammatical Gender
10. Aikhenvald
11. Brown and Miller
12. Hellinger and Bußmann
13. Baker
14. Jakob Grimm and Brugmann.
15. Sex
16. Prokosch's theory
17. Hirt
18. Mueller

19. Brugmann
20. Overt Gender
21. Form
22. Covert Gender
23. Basic Information
24. Semantic Residue
25. Extra-linguistic
26. Natural
27. Biological
28. Gender-specific
29. Male-specific
30. Female-specific
31. Formal assignment rule
32. Sound-structure
33. Word-structure
34. Derivation
35. Inflection
36. Conversion
37. Borrowing words
38. Haspelmath

۳۹. T.=Takht, N.L.=North Lahun, S.L.=South Lahun مثال‌ها به گویش لهون جنوبی است و معادل‌های دو گویش دیگر در برابر آن نوشته شده است، در مواردی که معادلی ذکر نشده است هر سه گویش برابر است.

40. Katamba
41. Normal assignment rule
42. Poplack
43. Unmarked gender
44. Definite article
45. Indefinite article
46. Slavonic language
47. Direct case
48. Oblique case

## ۹. منابع

- بامشادی، پارسا و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی معنایی سه حرف اضافه æra, ta, wæɪ در کردی گورانی از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۷. ش ۴. پیاپی ۳۲. صص ۵۹ - ۸۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج ۲. تهران: سمت.

- رخزادی، علی (۱۳۹۰). *آواشناسی و دستور زبان کردی*. سنندج: کردستان.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). *جنس دستوری در زبان هورامی*. مریوان: ئه‌وین.
- کریمی‌دوستان و همکاران (۱۳۹۰). «ساخت‌های کنایی در گویش هورامی». *جستارهای زبانی*. د ۲. ش ۲. پیاپی ۶. صص ۷۳ - ۹۹.
- نغزگوی، مهرداد و زانیار نقشنبدی (۱۳۹۵). «بررسی افعال وجهی در هورامی». *جستارهای زبانی*. د ۷. ش ۳. پیاپی ۳۱. صص ۲۲۳ - ۲۴۳.
- Bamshadi, P. et al. (2016). "Semantic study of wæl 'ta 'æra propositions in Gurani from cognitive perspective". *Language Related Research*. 7(4). 32. Pp: 59-80.[In Persian].
- Dabirmoghadam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages*. Vol. 2. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Rokhzadi, A. (2011). *Phonetics and Grammar of Kurdish*. Sanandaj: Kurdistan. [In Persian].
- Rezaei Bagh-Bidi, H. (2009). *History of Iranian Languages*. Tehran: CGIE. [In Persian].
- Sajadi, S. M. (2015). *Gender of Hawrami*. Marivan: Avin.[In Persian].
- Naghzguy, M. & Z. Naghshbandi, (2016), "Auxiliaries in Hawrami". *Language Related Research*. 7(3), 31.Pp: 223-243. [In Persian].
- Karimi-Doostan, Gh.H. et al. (2010). "Ergative constructions in Hawrami". *Language Related Research* 2(2). 6.Pp: 73-92. [In Persian].
- Aikhenvald, A.Y. (2000). *Classifiers: A Typology of Noun Categorization Devices*. Oxford: Oxford University Press.
- Alexiadou, A.; L. Haegeman & M. Stavrou, (2007), "Noun phrase in the generative perspective". *Walter de Gruyter GmbH & Co. KG, D-10785 Berlin*.

- Allison, C. (2007). "The Kurds are alive: Kurdish in Iraq". In Postgate, J. N. (ed.) *Languages of Iraq: Ancient and Modern*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp: 135-158.
- Alvanoudi, A. (2014). *Grammatical Gender in Interaction Cultural and Cognitive Aspects*. Leiden: Brill.
- Baker, M. C. (2004). *LEXICAL CATEGORIES (Verbs, Nouns, and Adjectives)*. Cambridge University Press.
- Blau, J. (1989). "Gurânî et zâzâ". In R. Schmitt (Ed.). *Compendium Linguarum Iranicarum*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag. Pp : 336–340.
- Booij, G. (2005). *The Grammar of Words: An introduction to linguistic morphology*. (Second Edition). Oxford University Express.
- Brown, K. & J. Miller, (2013), *The Cambridge Dictionary of Linguistics*. Cambridge University Press.
- Brugmann, K. (1897). *The Nature and Origin of the Noun Genders in the Indo-European Languages*. New York.
- Corbett, G. (1991). *Gender*. Cambridge University Press.
- Erfurt, T. of. (1972). *Grammatica Speculativa*. Bursill-Hall G L (transl.) London: Longman.
- Greenberg, J. (1963). "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements". In id. (ed.), *Universals of Language*. Pp: 73–113. Cambridge Mass: MIT Press.
- Haspelmath, M. (2010). *Understanding Motphology*. (Second Edition). Hodder Education, An Hachette UK Company.
- Hellinger, M. & H. Bußmann, (2001), *Gender Across Languages (volume I)*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Holmberg, A. & D. Odden, (2004), "Ergativity and Role-Marking in Hawrami". *First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics*. Leipzig: Max Plank Institute.

- Holmberg, A. (2004), "The Noun Phrase in Hawrami". *First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics*. Leipzig: Max Plank Institute.
- Holmberg, A. (2004). "The Izafe and NP Structure in Hawrami". *Durham Working Papers in Linguistics*. 10. Pp : 77-93.
- Katamba, F. (1993). *Morphology*. New York: St. Martin's Press.
- MacKenzie, D. N. (1966). *The Dialect of Awroman (Hawrāmān-ī Lahōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary*. København: The Royal Danish Academy of Science and Letters.
- Moseley, C. (2007). *Encyclopedia of the World's Endangered Languages*. London: Routledge.
- Mueller, E. H. (1943). "Theories concerning the origin of the grammatical gender in German". *GQ*. 16.Pp:90-98.
- Poplack, S.; A. Pousada & D.Sankoff (1982). "Competing influences on gender assignment: Variable process, stable outcome". *Lingua*. Pp. 58:1-28.
- Ritter, E. (1993). "Where's Gender?: Linguistic Inquiry". *The MIT Press*. pp. 795-803.

## Gender in Hawrāmī

Behrooz Mahmoodi-Bakhtiari<sup>1</sup>, Vahid Ranjbar Chogha Kaboudi<sup>2\*</sup>,  
Minou Nasajian<sup>3</sup>

1. Professor of Linguistics, Faculty of Art, University of Tehran, Iran.
2. Ph.D. Candidate in General Linguistics, University of Tehran, Tehran-Iran.
3. M.sc in Computational linguistics, Center for Languages and Linguistics, Sharif University of Technology- Tehran, Iran.

Received: 23/10/2017

Accepted: 02/03/2018

Gorani is one of the Northwestern Iranian languages spoken in Kermanshah and Kurdistan provinces of Iran, as well as a part of Iraqi Kurdistan. This language is highly endangered due to the heavy influence of its neighboring commonly spoken languages such as Persian, Arabic, and Kurdish. Gorani has maintained some very interesting grammatical features of the Middle Iranian languages, including gender, to which scholars like Mackenzie (1966) and Sajjadi (2014) have briefly made references. With respect to the notably effective role of gender in Gorani morphology and syntax, this essay sets out to address its uses and different forms by the field data of Hawrāmī Lahun and Hawrāmān Takht dialects. Considering the Corbett's framework of gender (1991), methods for identifying the gender of loanwords and compound words are suggested. The results indicate significant differences in the grammatical gender of borrowed words from other languages, in the use of masculine and feminine case markers, and in the use of personal endings. Moreover, the findings show how the gender of nouns can influence some modifiers, such as the nominal dependent, in the above mentioned dialects.

**Keywords:** Gender, Endangered language, Hawrāmān Takht, Hawrāmī Lahun

---

\* Corresponding author: E-mail: v.ranjbar.ch@ut.ac.ir